

«خاطرات هشت سال پایواری زندان پلچرخي» نمونه ای از شکوهمندی

«خاطرات هشت سال پایواری زندان پلچرخي» نوشته رفیق «رحیمه توخی» همسر رفیق «کبیر توخی» مبارز بی همتا که دیوارهای بلند پولیگون پلچرخي از مقاومت و پایداری او و سایر مبارزان انقلابی به لرزه درآوردند، اولین نمونه از خاطرات مبارزاتی خانواده مبارزی است که تاریخ مبارزاتی افغانستان آن را به یاد ندارد.

من ضمن تهنیت و تبریک به رفیق «رحیمه» به خاطر به تحریر درآوردن خاطرات آن سال های جنایتبار، تلخ، جانسوز و پر از خیانت، قلم هر دو رفیق مبارز را در مبارزه علیه امپریالیزم خونخوار امریکا و امپریالیست های دیگر و ارتجاع هار مذهبی کماکان برنده تر می خواهم.

نوشتن «خاطرات هشت سال پایواری زندان پلچرخي» از سوی یکی از زنان مبارز سرزمین سوخته، جهادی و طالب گزیده و در کام امپریالیزم برای هر فرد انقلابی و متعهد کشور ما مایه مباهات بوده و ما را در مبارزه علیه امپریالیزم امریکا و دولت پوشالی آن نیروی بیشتر می بخشد، چه این نه یک تمجید اخلاقی بلکه حقیقتی است روشن به مانند آفتاب. این اثر از آن جهت برای من به حیث عضوی سازمان انقلابی افغانستان بیشتر حایز اهمیت است که از سوی زنی به رشته تحریر درآمده که با استواری در سرزمین زن ستیز و مردسالار به عزیزش که در بند دژخیمان، شب را به فکر اعدام سحر می کرد، نیرو و قوت قلب می بخشید؛ زنی که از بام تا شام زحمت می کشید، عرق می ریخت، کودکش را پرورش می داد و به پایواری شوهر در بندش می رفت که جلادان، او را از او ربوده بودند و مهر پدرانه را از کودکش دزدیده بودند؛ زنی که در میان تحقیرها و توهین ها و نگاه های پست مزدوران سوسیال امپریالیزم شوروی با غرور و سرافرازی، جلادان را به تمسخر می گرفت و به همسرش پیام استواری می داد.

زنان کشور ما که در طول تاریخ در دوزخ ارتجاع هار مذهبی، طبقات حاکمه، دولت های مستبد و حاکمیت مردسالارانه سوخته و می سوزند، بدون شک از فقیرترین و مظلوم ترین زنان جهان به شمار می روند، بنابراین مبارزه در چنین شرایطی برای زنان ما دشوارتر از مبارزه زنان در هر کشوری است، زیرا در کشوری که حتی صدای پای زن جرم پنداشته می شود و زن نیم مرد به حساب می آید، دفاع از عقاید مارکسیستی همسر، مسلماً مستلزم استواری کوهگون است که در خاطرات رفیق رحیمه میتوان آنرا دید.

رفیق رحیمه با نوشتن «خاطرات هشت سال پایواری زندان پلچرخي» به زنان و دخترانی نوید می دهد که نویدی سر تا پای آنان را فرا گرفته و با انحرافات و خیانت های موجود در جنبش چپ انقلابی، به مبارزه بی باور شده و روزنه ای به سوی روشنی نمی بینند. این خاطرات به خوبی گواه آن است که ولو شرایط هر قدر دشوار و مبارزه هر اندازه مشکل باشد، باز هم می توان به پیش رفت، مبارزه کرد و با ایمان راستین به ایدیولوژی طبقه کارگر و توده ها بر دشواری ها و مشکلات غلبه نمود و راه را به سوی روشنی باز نمود.

باورم بر اینست که مبارزه برای رهایی از جنگال خونین امپریالیزم، ارتجاع و استبداد و ساختن دنیای جدید با نیروی بازوی زنان و مردان امکان پذیر است، و مبارزه برای گسستن زنجیرهای استبداد، امپریالیزم، ارتجاع و مذهب از دستان زنان نیز در کار و پیکار مشترک هر دو نهفته است که مبارزه دو رفیق، دو هم‌رزم و عزیز، نمونه بارز و زنده کنونی در راستای این آرمان به شمار می‌رود.

با اعتقاد راسخ به رهایی زنان از عفریت سرمایه، ارتجاع و مذهب، به کار شکوهمند رفیق «رحیمه توخی» درین راستا ارج گذاشته، باور دارم که این راه خارااین را با سرافرازی بیشتر، با پشتکار بیشتر و امید بیشتر ادامه خواهند داد، زیرانیروهای انقلابی زمانی می توانند جگرگاه امپریالیزم و ارتجاع را بهتر نشانه گیرند که در کنار هم و برای هم، دست در دست یکدیگر مبارزه خستگی ناپذیر را به پیش ببرند و در فرجام دشمنان توده ها را در دریایی از خون خویش غرق سازند و کشتی انقلاب را به ساحل نجات رهنمون گردند.

قلم تان برا و شکوهمند باد!